



انترناسیونال

۱۱۸

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۵ آذر ۱۳۸۴، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

تجمع اعتراضی
کارگران نساجی کردستان

صفحه ۶

پیام آذر ماجدی به مناسبت
صدمین سالگرد سکولاریسم

صفحه ۶

تهاجم به دفتر حزب
کمونیست کارگری چپ عراق

صفحه ۶

دو راهی بربریت یا سوسیالیسم؟

در حاشیه رویدادها

صفحه ۸

سیاوش دانشور

قطعنامه دانشجویان در دانشگاه تهران

دانشجویان منادی خواست آزادی و برابری برای تمام جامعه هستند. این روز نه تنها روز دانشجو بلکه روز تمامی آزادگان است و به نماد آزادی خواهی و برابری طلبی

صفحه ۵

برای رفع فلاکت و بحران هم صدا میشویم. روز ۱۶ آذر برای ما دانشجویان، روز رهایی انسان از تمامی تقسیم بندیها و تبعیض های طبقاتی، جنسی و نژادی است و در شرایط اجتماعی ایران

کشیدگان نظام سرمایه داری یکصدا، فریاد میزنیم که امکانات و ثروت و زر و نفت باید به صاحبان اصلی آن یعنی به همه مردم باز گردانده شود. ما در ۱۶ آذر همراه با محرومان جامعه

۱۶ آذر روز آزادی و ایستادگی در برابر استبداد و بی عدالتی است. امروز را با همه توان خود پاس میداریم. ما دانشجویان بعنوان بخشی از مردم ستم کشیده و همراه با تمامی ستم

ستون اول



حمید تقوایی

”تنها یک آلترناتیو وجود دارد و آن رجوع به انسان و انسانیت است“



آفتاب آمد دلیل آفتاب!

۲۰ آذر امسال بعنوان روز برآمد و قدرتمندی چپ و مشخصا کمونیسم کارگری در جامعه به ثبت خواهد رسید. گردهمایی دانشجویان در این روز و قطعنامه رادیکال و سوسیالیستی که صادر کردند ادعای نامه و تعرض روشن و صریح چپ جامعه علیه کلیت جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران است. یک بیانیه عمیقا انسانی و رادیکال و تماما و صریحا سوسیالیستی! حزب ما مدتهاست این واقعیت را بازشناخته و اعلام کرده است که جامعه به چپ چرخیده است و سیاستها و شعارهای رادیکال چپ در جنبش سرنگونی طلبانه علی العموم و مشخصا در جنبش دانشجویی روز بروز بیشتر نفوذ و محبوبیت و گسترش پیدا میکنند. این واقعیت را در شماره قبلی انترناسیونال یک بار دیگر یاد آور شدیم و تاکید کردیم که دور تازه ای از تعرض مردم و مشخصا جنبش دانشجویی آغاز میشود. دو روز از انتشار انترناسیونال نگذشته بود که این دور تازه تعرض چپ با قدرت و صلابت تمام آغاز شد! آنچه تحلیلا باید استنتاج میشد تحقیقا در ۲۰ آذر به وقوع پیوست.

صفحه ۲

گوشه هایی از گرد هم آیی دانشجویان در بیست آذر در دانشگاه تهران

یکی از شعار های دانشجویان: **Revolution Only Solution!**

ترمز به رادیکالیسم کمونیستی، گاز در فاز دیپلوماسی و آشتی

درباره عاقبت حزب ریپوار احمد



خود و صد البته با "بهره سیاسی" گرفتن از خط و پرچم راست

صفحه ۳

جریان راست از حزب کمونیست کارگری ایران انتخاب کرد، و ریپوار احمد در راس این مجاهدت، با اتکا به "عقل سلیم"

اسکاندال سیاسی اخیر حزب "کمونیست کارگری" عراق، یک گام دیگر در ادامه خط راستی است که این حزب بدنبال خروج

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

ستون اول

آفتاب آمد دلیل آفتاب! چه در این روز و با قدرت و صلابت بمیدان آمد و مبنای نقد و اعتراض خود به نظام موجود و به جنبشها و آلترناتیوهای راست را صریح و روشن و شفاف و با صدای بلند اعلام کرد.

این حرکت يك استشنا در روند جنبش اعتراضی مردم و يك اكسیون و حرکت نامنتظره و صاعقه ای در آسمان بی ابر نیست. این حرکت ادامه ۱۶ آذرهای "آزادی و برابری" و "نان و آزادی برای همه" در سالهای گذشته است، ادامه رسواکردن دو خرداد در کنفرانس برلین، ادامه بی آبرو کردن رفسنجانی در استادپوم آزادی و هو کردن خاتمی در ۱۶ آذر سال قبل است. این حرکت ادامه فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی در ۱۸ تیر ها، ادامه حسین پارتی جوانان در شب عاشورا در میدان محسنی است. این حرکت ادامه خیرش کارگران خاتون آباد، ادامه شورشهای مردم اختناق زده و زیر خط فقر در شهرهای اهواز و سنندج و سقز و فریدونکنار، ادامه جنبش حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان، ادامه اعتصابات کارگری علیه فقر و بیحقوقی است. این حرکت ادامه آهنگ همبستگی Life is Life کارگران سنندج و ادامه سرود انترناسیونال در اول مه و در گورستان خاوران است. بیانیه ۲۰ آذر ادامه فریاد "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض" است!

۲۰ آذر امسال امتداد و نقطه عطف مهمی در این روند عمومی تعرض چه در جامعه بود. چه در این روز بمیدان آمد و از زبان نمایندگان جوان و پر شور خود سخن گفت! اعلام کرد شانزده آذر تنها روز دانشجو نیست بلکه روز تمامی آزادیخواهان و نماد آزادی خواهی و برابری طلبی است. و این آزادیخواهی و برابری طلبی را در يك قطعنامه جامع و روشن اعلام کرد. صریحا و علنا اعلام کرد که ضد سرمایه و استثمار و تبعیض طبقاتی است، با ستمکشی زن مخالف است و خواهان آزادی پوشش و لغو آپارتاید جنسی است. اعلام کرد فدرالیسم و رفرمیسم و تکیه بر تفاوتهای نژادی و حمله خارجی راه نجات نیست. اعلام کرد تنها يك نژاد، نژاد انسانی را

میدارد. قطعنامه ۲۰ آذر بیانیه ایست در نقد جنبش ناسیونالیستی و ملی- مذهبی که نه نژاد انسانی بلکه مذهب و ملیت و قومیت اساس حرکتشان را تشکیل میدهد و آلترناتیویشان در برابر جامعه فدرالیسم و رفرمیسم و امید بستن به دخالت خارجی است. چه در دانشگاه روزپروز قویتر میشود و ملی- مذهبیون را بیشتر به عقب میروند. برآمد جنبش چه در ۲۰ آذر به سرعت شاخه دانشجویی جنبش ملی- مذهبی را به عکس العمل واداشت. در ۲۲ آذر انجمن اسلامی و تحکیم وحدتی ها مراسم قانونی ای در دانشکده فنی برگزار کردند و رودروئی که در این مراسم در

با "عملکرد حزب کمونیست کارگری در کنفرانس برلین" مقایسه کرد!! امروز نه تنها در دانشگاه بلکه در تمام جامعه جنبش کمونیسم کارگری و افق انقلاب سوسیالیستی در حال گسترش و پیشروی و گرد آوری نیروست. با ورشکستگی کامل دو خرداد و انزوای راست در صفوف مبارزه مردم، و با روی کار آمدن دولت حزب الهی احمدی نژاد آلترناتیو سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب بیش از پیش در جامعه مقبولیت مییابد و پذیرفته میشود و نیروهای سیاسی اپوزیسیون که انقلاب و سوسیالیسم را نامطلوب و یا ذهنی و ناممکن میدانستند تحت فشار واقعیات عینی تحولات سیاسی در جامعه



تجمع اعتراضی دانشجویان در دانشگاه تهران در روز ۲۲ آذر

گرفت یکی از روزات این تقابل بین جنبش چه و ملی مذهبیون بود. این مراسم ظاهرا قرار بود پاسخ گرایش خودی جمهوری اسلامی در جنبش دانشجویی به ۲۰ آذر باشد. اما پلاکارد "نان، آزادی برای همه" و "آزادی زن" و "آزادی زندانیان سیاسی" و سایر شعارهای ۲۰ آذر در این مراسم نیز بالا رفت. و در مقابل، بر پا کنندگان مراسم با متهم کردن مخالفین خود به تبعیت از شیوه های کنفرانس برلین در واقع به حضور قدرتمند کمونیسم کارگری در جنبش دانشجویی اعتراف کردند. (دشتبانی دبیر سیاسی انجمن اسلامی دانشگاه تهران به پشت تریبون رفت و عملکرد معترضین در این مراسم را صریحا

قرار میگیرند و بیش از پیش طرد و منزوی میشوند. سیاستها و آلترناتیوهای غیرانقلابی و غیر سوسیالیستی بیش از پیش بی ربطی

خود را به تحولات عینی سیاسی در جامعه نشان میدهند و رنگ میبازند و کنار میروند و راه برای انقلاب سوسیالیستی هموار تر میشود.

۲۰ آذر از یکسو حاصل این قدرتگیری آلترناتیو چه و سوسیالیستی در جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی و از سوی دیگر خود نقطه عطف مهمی در این جنبش است. قطعنامه دانشجویان در واقع پلاتفرمی است که راه پیشروی جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی را به همگان نشان میدهد. این پلاتفرمی برای متحد شدن جنبش کارگری، جنبش زنان و جوانان، مبارزات پرستاران و معلمان و همه بخشهای معترض جامعه در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. پلاتفرمی است که مفاد و مطالبات آن میتواند مبنای تومارها و دیوانیسی ها و شعارها و فراخوانها و ویلاکها و اطلاعیه ها و بیانیه ها و قطعنامه ها در مبارزات و حرکتهای اعتراضی بخشهای مختلف جامعه قرار بگیرد و این مبارزات را به یکدیگر پیوند دهد. این پلاتفرم میتواند پرچم تعرض وسیع و همبسته کارگران و زنان و جوانان و همه جنبشهای اعتراضی باشد که با کلیت نظام جمهوری اسلامی مخالفند و معتقدند تنها آلترناتیو "رجوع به انسان و انسانیت است".

چه در دانشگاه پرچی را بلند کرده است که چشم انداز يك جامعه انسانی و آزاد و برابر و مرفه، چشم انداز جمهوری سوسیالیستی را در برابر کل جامعه قرار میدهد. و این میتواند نقطه آغاز انقلاب سوسیالیستی در ایران باشد! *

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

رادیو انترناسیونال: هر شب ساعت ۹ تا ۹.۳۰ دقیقه روی طول موج کوتاه

۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ - ترمز به رادیکالیسم کمونیستی ...

منشعبین، میکوشد که به قهرمان فاز "آشتی" بدل شود. اما این گام جدید و تغییر ریل سیاسی آشکار حزب ریبوار احمد که در بیانیه او تحت عنوان "درباره کشمکش بین حزب کمونیست کارگری عراق و اتحادیه میهنی کردستان" منتشر شد، توسط حمید تقوایی و اطلاعیه حزب کمونیست کارگری چپ عراق نقد شد و این نقد بهانه‌ای شد که ریبوار احمد ترمز ببرد و با هیستری غیر قابل وصفی در مقابل حمید تقوایی، حزب کمونیست کارگری ایران، و حزب کمونیست کارگری چپ عراق واکنش نشان دهد. البته باید اضافه کرد که علیرغم بد دهنی ریبوار احمد تاهمین جا نقد ما آنان را به تغییر لحن و موضع در قبال "انتخابات" مجبور کرد، به این بعدا برمیگردم. ریبوار احمد در اطلاعیه اش اعلام کرده بود که رسماً و بطور یکجانبه به کشمکش و درگیری با اتحادیه میهنی خاتمه میدهد و از اتحادیه میهنی هم میخواهد که به آزادی سیاسی پایبند باشد و به سیاست جنگ طلبانه و مانع تراشی در برابر فعالیتشان پایان دهند و برخورد درستی با این سیاست آنها نکنند. اما فحاشی، دستپاچی، و هیستری ریبوار احمد که سراسر نوشته ۷ دسامبر وی "در پاسخ به حمید تقوایی" را تشکیل میدهد، این سوال را ایجاد میکند که سرچشمه این هیستری در مقابل نقد سیاسی و دفاع ما از سیاست کمونیستی کارگری چیست؟

کدام شرایط و اوضاع سیاسی موجب اتخاذ این سیاست شد؟

واضح است که احزاب سیاسی فی البداهه و مستقل از اوضاع و احوال سیاسی جامعه دست به چرخش سیاسی نمی‌زنند. این تحولات اساسی در جامعه است که مهر خود را بر تحولات سیاسی درون احزاب می‌زند و خود را بطور ناگهانی در بلند کردن پرچمهایی نشان میدهد که قبلاً تصورش سخت بود. تا به جریان ما برمیگردد، تمام تحولات از مقطع جنگ خلیج تا انشعاب اخیر در حزب کمونیست کارگری ایران و چرخش بر است حزب ریبوار احمد و سیاست اخیر آن همگی محصول اتفاقات مهمی در سطح جامعه و در ایران و عراق بود. امروز، بدنبال حمله آمریکا به عراق و سرهم شدن حکومت قومی مذهبی دست ساز آمریکا، صورت مساله عراق عوض شده است. این يك واقعه سیاسی مهم است که وضعیت کل منطقه را تحت تاثیر قرار داده و روشن است که بر سرنوشت احزاب سیاسی هم در این جوامع تاثیر میگذارد و گذاشته است.

اما بطور مشخصتر، در مورد حزب کمونیست کارگری عراق، دو اتفاق اساسی در متن همین تحولاتی که در عراق افتاد این حزب را به چیزی تبدیل کرد که قابل مقایسه با قبل آن نیست. مورد اول انشعاب در حزب کمونیست کارگری ایران است که حزب کمونیست کارگری عراق را بلحاظ سیاسی به پشتیبانی از منشعبین کشاند. دلایل این و کلا وضعیت نابسامان حزب کمونیست کارگری عراق بخصوص در دو سه سال قبل از مرگ منصور حکمت بحث مفصلی است و بررسی آنرا باید به فرصت دیگری گذاشت. فقط اینرا باید تاکید کنم که نفس حمایت رهبری حزب کمونیست کارگری عراق از

دیگر جامعه بسمت تشبیت شدن می‌رود و فضای آرام سیاسی بوجود می‌آید و احزاب سیاسی هم خود را باید برای فعالیت در این فضا آماده کنند. مجموعه نکات فوق آن فاکتورهای اساسی و کلان در صحنه سیاسی عراق است که زمینه اطلاعیه ریبوار احمد را فراهم کرده است که "تلاش برای پایان دادن به کشمکش با اتحادیه میهنی" را پنج سال ناقابل بتعویق انداخته است! اما این اشاره به این زمینه برای آن بود که اساس پوچ بودن ادعای ریبوار احمد را نشان بدهم، و گرنه حزبی که از کمونیسم کارگری گسست نکرده است اتفاقاً باید در شرایطی که دامنه اعتراضات اجتماعی مردم در کردستان اوج میگیرد کمربند خود را برای دخالت رادیکال در جامعه و رهبری آن آماده کند. "عقل سلیم" ریبوار احمد اما ایجاب میکند که سیاست دیگری در نقطه مقابل سیاست سوسیالیستی اتخاذ کند.

جناح بندی حکومت

یکی دیگر از تبعات چرخش بر است حزب ریبوار احمد اینست که برای دخالت در قدرت از طریق بالا به جناح بندی حکومت فعلی دست می‌زند تا با يك جناح آن بتواند بسازد. ریبوار احمد در مصاحبه با رادیو "هاوشتی" تاکید میکند که به اسلام سیاسی بیشتر از ناسیونالیسم حساس است. همین مضمون را سامان کریم، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته کردستان، نیز با تفصیل در مصاحبه با نشریه "جه ماو" بیان میکنند. واضح است که تاکید بر حساسیت بیشتر به اسلام سیاسی و برخورد متفاوت به ناسیونالیسم بر سر تحلیل عمومی نیست و بیربط به استخراج پراتیک از این تاکید نیست. این تاکید نیست که بخواهد درباره عملکرد این دو جناح اصلی حکومت قومی مذهبی عراق فقط تفسیر بکند، بلکه قرار است يك جناح آن یعنی ناسیونالیسم کرد را باین خاطر از اسلام سیاسی متمایز کند که بتواند مناسبات خود را با آن تعریف کند. این ماجرا در بیانیه ریبوار احمد هم که بنوعی حتی پرونده متفاوتی را برای اتحادیه میهنی سرهم میکند دیده میشود. وقتی ریبوار احمد میگوید اگر اتحادیه میهنی این آتش بس را نپذیرد آنگاه "مسئولیت ادامه پیدا

منشعبین بمعنای پذیرفتن تمام آن سیاست و پرچم راستی بود که کورش مدرسی برافراشت. ریبوار احمد و همکرائش هیچوقت نه تنها يك کلمه خود را درگیر اظهار نظر درباره مضمون سیاسی آن اختلافات نکرده‌اند بلکه تلاش زیادی کردند که آنرا از صفوف خود بویژه در داخل عراق پنهان سازند و در عوض، همانطور که در فحشنامه اش تکرار میکند، به دو تکه کردن حزب کمونیست کارگری ایران توسط ما تاکید میکنند. اولین نتیجه مهم این حمایت سیاسی برای آنان بوجود آمدن زمینه‌ای برای کاربست جایگاه دیپلماسی در بحث حزب و قدرت سیاسی کورش مدرسی است که باید در عراق بیبار بنشیند. "کنگره آزادی عراق" آن دستپختی بود که در خدمت آن سیاست قرار می‌گرفت. اگر در ایران هنوز حکومت اسلامی سر کار است و فشار سیاسی ما منشعبین را وادار میکند که تئوری دولت ائتلافی اولیه را امروز در بسته بندی ظاهراً "منشور سرنگونی" ارائه بدهند، در عراق با باز شدن مساله قدرت سیاسی و قرار گرفتن آن در دستور روز باید تمهیداتی تدارک ببینند. "کنگره آزادی عراق" یکی از این تمهیدات و قدم دوم مهمی در چرخش بر است حزب ریبوار احمد است، و پائینتر به نمونه ای گویا اشاره خواهم کرد که يك خاصیت و مصرف واقعی این کنگره را نشان میدهد که همان ماسکی است که از آن برای ائتلاف و شریک شدن در قدرت با جریانات مرتجع استفاده میکنند.

اما گام بعدی، یعنی اطلاعیه اخیر ریبوار احمد، یعنی همان "پرچم سفید در برابر پرزیدنت طالبانی" که محتوا و هدف سیاسی آن در نوشته حمید تقوایی و اطلاعیه حزب کمونیست کارگری چپ عراق بروشنی نشان داده شده است، دیگر تماماً محصول شریک شدن ناسیونالیسم کرد در حکومت دست ساز است. همزمان با سیاستی که حول مساله "انتخابات" و نقش "کنگره آزادی عراق" در آن تدارک دیده بودند، در بخش حوزه استحقاقی پرزیدنت در کردستان نیز میبایست خود را هماهنگ میکردند که خیلی زود عواملی این محاسبات را برهم زد. گویا اکنون

کردن این فضا تماماً بر دوش اتحادیه میهنی قرار میگیرد"، در واقع می‌گوید که در گذشته مسئولیت این فضا و سرکوبگری تماماً بعهد اتحادیه میهنی نبوده است، بلکه حزب کمونیست کارگری عراق هم با رادیکالیسمش مسئول بوده است. اتحادیه میهنی در تمام پنجسال گذشته که مورد تاکید بیانیه ریبوار احمد است يك آن از سیاست سرکوب و ارباب پلیسی کوتاه نیامده است و حزب کمونیست کارگری عراق هم نه اعلام جنگی به اتحادیه میهنی داده بود و نه نقد و افشای آنرا تظلیف کرده بود. بنابراین وقتی ریبوار احمد سیاست سرکوب اتحادیه میهنی را به کشمکشهای فیما بین تنزل میدهد باز هم دارد پرونده متفاوتی برای این حزب درست میکند که هدفش جز سازش و اعلام آمادگی همکاری با وی نیست. حتی سامان کریم در همان مصاحبه ضمن اینکه تاکید میکند که بیانیه ریبوار احمد بمعنای آشتی نیست و میتواند کشمکش از بین برود اما هنوز آشتی نباشد، در عین حال میگوید آشتی کامل به این ارتباط دارد که اتحادیه میهنی چگونه به بیانیه شان جواب میدهد. بعبارت دیگر، حزب ریبوار آماده آشتی با اتحادیه میهنی است و آنرا ممکن میداند و گویا امکان آنهم فقط به نحوه پاسخ اتحادیه میهنی بستگی دارد! تفسیری نیاز دارد؟ منصور حکمت معتقد بود که فقط زمانی که این احزاب ناسیونالیست کرد تماماً از سر راه مردم کنار گذاشته بشوند امکان آرامش و آزادی برای مردم بوجود می‌آید. بعبارت دیگر از نظر منصور حکمت تا این جریانات در کردستان قدرت را در دست دارند مردم کردستان آب خوش از گلویشان پائین نمی‌رود. و اکنون پس از منصور حکمت، حزب ریبوار احمد فرصت یافته است بگوید که آشتی ممکن است، و می‌رود که راههای آشتی با اتحادیه میهنی را بیابانماید و بالاخره فرصتی یافته که اعلام کند حاضر است سازمانی مودب و سر براه باشد، و این تمام فلسفه و هدف جناح بندی کردن حکومت امروز عراق است. اما هنوز يك تحفه جالب دیگر مانده است: ماجرای "انتخابات" و "کنگره آزادی عراق".

از صفحه ۳ **قرمز به رادیکالیسم کمونیستی ...****"انتخابات"****و "کنگره آزادی عراق"**

از طریق مصاحبه سامان کریم با نشریه "جه ماه ور" شماره ۱۵۴ که در تاریخ ۵ دسامبر منتشر شده است باخیر می‌شویم که حزب کمونیست کارگری عراق انتخابات را بایکوت نمی‌کند تا "کنگره آزادی عراق" بتواند در انتخابات شرکت کند. سامان کریم در پاسخ به این سوال که در انتخابات چکار می‌کنند، می‌گوید:

"... اما به‌رحال ارتباط با این بحث کنگره آزادی عراق که ما همچون حزب کمونیست کارگری عراق نقش مهمی در درست کردن آن داشتیم و جبهه بزرگی است، این جبهه از ما سوال کرد و گفتند نظر شما چیست که اگر ما شرکت کنیم، ما گفتیم شما آزادید که بروید و دنبال لیستی بگردید که نزدیک است و میشود نزدیک باشد که برخی خواستهای مردم را داشته باشد، و "تایقان" نباشد و اسلام سیاسی نباشد، میشود با آنها توافق بکنید و نشست داشته باشید و بهمین دلیل هم ما تاکنون آنرا بایکوت نکرده ایم، آن لیست‌هایی که میشود انسان با آنها حرف بزند اینها هستند و بیشتر نمی‌دانم." ("لیست" به ائتلافها و گروه‌هایی گفته میشود که در انتخابات شرکت میکنند و هر کدام يك شماره دارند، مثلا "لیست ۷۳۰" در کردستان بنام "همیمانی"، لیست اسلامیها بنام "اتحاد اسلامی" و "لیست ۷۳۱" که گویا علاری در راس آن است.) این یکی از افتخارات حزب ریوار احمد پس از منصور حکمت است!

ابتدا باید اشاره کنم که بنظر میرسد که کسی در میان لیست‌های موجود "کنگره آزادی عراق" را تحویل نگرفته و در نتیجه توصیه حزب ریوار احمد برای پیدا کردن لیستی که کنگره آزادی عراق به آن وارد شود و در "انتخابات" شرکت کند بی نتیجه مانده است. و این موضوع بهرماره فشار نقد ما به بیانیه ریوار احمد آنان را مجبور میکند که در هفته اول دسامبر اطلاعاتی ای خطاب ب مردم کردستان بدهند و خواهان تحریم انتخابات و جدائی کردستان بشوند. به‌رحال تحریم يك هفته قبل از انتخابات

اگرچه محصول شکست آخرین تلاش برای شرکت در انتخابات از طریق کنگره آزادی عراق است، اما اکنون روشن میشود که مصرف و خاصیت اصلی کنگره آزادی عراق برای روزهای شبیه همین "انتخابات" بوده است که طرح آنرا کورش مدرسی زیر بغل ریوار احمد گذاشت، و حتما همه بیاد دارند که کورش مدرسی با تشریحات میگفت حتما فردا هم در عراق "الحجاریان" بما خواهند گفت، و حالا من میگوم "الحجاریان" نه بلکه "العلاری"، آیا اتهام ناروا است؟ و دیگر معلوم نیست چرا آقای ریوار احمد بخاطر کلمه "دوخرادی" حقیقت گوئی ما عصبانی است؟ برخی تروتسکیست‌ها در کشورهای غربی هنگام انتخابات به مردم می‌گویند "دماغتان را بگیرید" و به احزاب سوسیال دمکرات رای بدهید و خودشان هم رای میدهند، و تازه بعید میدانم بوی گند دماغ آزار این احزاب از لیست‌های امثال علاری و غیره بیشتر باشد. راستی شما به رفقا و دوستانتان در کنگره آزادی عراق گفتید که هنگام نشست با لیست‌ها دماغشان را بگیرند یا نیازی به گفتنش نبود؟ آیا گزارشی از مباحث نشست‌های کنگره آزادی عراق با لیست‌های معلوم الحال، از زمان توصیه شما به آنان تا مقطع تحریم در هفته گذشته به جامعه و اعضای اینها میدهند؟ آیا شما هنوز نمیدانید که در دیپلوماسی هم اگر بخواهید بحسابتان بیآورند باید قدرتمند باشید و گرنه به دل‌تک بدل میشود؟ حتما برخی از اعضای حزب ریوار احمد از سرنوشت عبدالله مهدی که دنبال پیدا کردن "دوستان حال و آینده" در میان ناسیونالیسم کرد بود خبر دارند؟ و میبینید که ریوار احمد و رهبری حزب به کجا دارند می‌روند؟ سوال اینست که آیا کارهای کمونیست این حزب سرنوشتی جز سکوت و بیتفاوتی فعلی در مقابل حزب ریوار احمد و آینده کمونیسم در عراق برای خود نمی‌بینند؟

چند نکته درباره**استدلالات سیاسی****در پاسخ ریوار احمد**

ریوار احمد در پاسخ خود به نقد ما

و برای توجیه سیاست عمیقاً راست و سازشکارانه اخیرشان مجموعه ای نکات سرهم میکنند که مختصر به آنها اشاره میکنم. مهمترین آنها چنین‌اند:

* می‌گوید در ۱۰ سال گذشته صد و يك اطلاعیه درباره ارتباط و دیدار با احزاب ناسیونالیست داده‌اند و دیدار و نشست بوده اما کسی آنرا پرچم سفید ندانسته است. این مغلطه است. نه بحث بر سر دیدار و نشست بوده و نه یکی از آن اطلاعیه‌ها از نوع جنس "مرغوب" بیانیه اخیرشان بوده است، فقط یکی از آنها را نشان بدهید که این سیاست و جهتگیری را منعکس میکند. آنها پرچم سفید نبودند چون از کمونیسم کارگری نگسسته بودند.

* تاکید میکنند که اگر ما قصد سازش داشتیم و بخواهیم از راه سازش به این کشمکش پایان بدهیم راه خودش را داشت، میشد با آنها بنشینیم و توافق کنیم و امتیازمان را هم بگیریم، و اضافه میکنند که این نشان اینست که نمی‌خواهیم پشت پرده هیچ سازشی بکنیم. ریوار احمد دارد بر علنی بودن اطلاعیه‌شان بعنوان نقطه قدرت کارشان تاکید میکنند، اما آیا نمیداند که میشود جلسه غیر علنی داشت و سازش هم نکرد؟ نمیداند که اینجا بحث بر سر نفس علنی بودن بیانیه نیست که بر سر مضمون سیاسی آنست؟ آیا نمیداند که اگر کسی در خفا بخاطر امتیاز سازشی بکند روز بعد جامعه بازتاب سیاست سازش را میبیند و مچش را میگیرند؟ واقعا اینها رفیق بغل دست خودتان را قانع میکنند؟ اما خود این تصویر هم که گویا اتحادیه میهنی حاضر است در خفا با شما به توافق برسد که جامعه نفهمد بشدت نادرست است. اولاً اتحادیه میهنی بعنوان يك نیروی سرکوبگر مرتجع و حاکم نیازی برای مخفی کردن رابطه با شما ندارد، ثانیاً اتفاقاً این اتحادیه میهنی است که می‌خواهد سازش با وی و بعبارت دیگر تمکین به او را جامعه بطور علنی ببیند و بفهمد. حتما یادتان هست چند سال قبل اتحادیه میهنی به اتحادیه بیکاران فشار آورده بود که علنی اعلام کند که به حزب کمونیست کارگری عراق ارتباط ندارد، و این برای این بود که حزب منزوی کند. اتفاقاً امروز هم این

اتحادیه میهنی است که از بیانیه علنی درباره مودب بودن شما در مقابل خودش سود میبرد.

* می‌گوید که ما می‌خواهیم همان قالب را به کشمکش با اتحادیه میهنی بدهیم که ۱۴ سال است با پارتی داریم و ظفرمندان می‌پرسد آیا با این معیار ما ۱۴ سال در مقابل پارتی عاقل و مسالمت آمیز و اپوزیسیون دوخردادی بودیم؟ اینجا ریوار احمد برای خواننده نامطلع از اوضاع کردستان و موقعیت حزب و فعالیتش در محدوده پاراتی و یکیتی حرف می‌زند. جواب ساده اینست که مگر حزب کمونیست کارگری عراق فعالیتش در سلیمانیه مانند هولیر و دهوک بوده است؟ مگر فعالیت علنی و مقرر داشتن حزب کمونیست کارگری عراق در گذشته در مناطق تحت نفوذ پارتی و اتحادیه میهنی مثل هم و قابل مقایسه با هم بوده است؟ بعلاوه مگر پارتی کادرها و فعالین حزب را دستگیر نکرده بود؟ و بالاخره مگر شما چنین بیانیه ای خطاب به پارتی داده‌اید که تاکنون کسی آنرا عاقل و مسالمت آمیز نخوانده است؟ باور کنید این نوع استدلالها قیافه بیانیه شما را استتار نمی‌کند.

* ریوار احمد می‌پرسد که با کدام منطق باید تا ابد به فضای جنگ و کشمکش که از پنجسال پیش شروع شده ادامه بدهیم و اگر نه دوخردادی می‌شویم؟ او البته عبارت طلائی "تا ابد" را زیاد تکرار میکند. اولاً قبلاً گفته بودیم که این حزب کمونیست کارگری عراق نبوده است که با اتحادیه میهنی به جنگ و کشمکش ادامه میدهد بلکه این اتحادیه میهنی است که سیاستش همچنان سیاست سرکوب است. ثانیاً، بعنوان مثال می‌پرسیم که برای اینکه کارگر "تا ابد" بخاطر اعتراضش به سرمایه تحت سرکوب قرار نگیرد آیا باید بجای متشکل شدن و قدرتمند کردن خود به فرمانبردار سرمایه بدل شود و استثمار شدیدتر را بجان بخرد؟ یا مثلاً برای اینکه زنان "تا ابد" با سرکوب اتحادیه میهنی مواجه نشوند و امنیت داشته باشند آیا باید رضایت بدهند که بعنوان انسان درجه دوم و تحقیر شده و تحت ستم هر روزه به زندگی ادامه بدهند تا "کشمکش و جنگ" بین ناموسپرستان با جنبش آزادی زن و

فعالین آن ادامه پیدا نکند؟ اما نکته اساسی در تئوری "تا ابد" ریوار احمد اینست که او پذیرفته است که اتحادیه میهنی "تا ابد" باید بماند! منصور حکمت نقطه مقابل این را به شما آموزش داده بود که آنرا کنار گذاشتید. برای پایان دادن به این جنگ و کشمکش دو راه بیشتر وجود ندارد: یا باید با قدرت خود و توده مردم آزادیخواه این مرتجعین و سرکوبگران حاکم را به عقب راند و یا در مقابل آنان پرچم سفید هوا کرد، شما راه دوم را انتخاب کرده‌اید. اما زمانیکه راه اول در دستور و یا ممکن نباشد آنگاه این اتحادیه میهنی است که بخاطر موقعیتش نرخ سازش را تعیین میکند. شما مجازید هزینه این نرخ را بپردازید اما نه به اسم کمونیسم کارگری، از جیب خودتان باید خرج کنید!

اما نکته دیگری که اشاره به آن لازم است مساله اعتراضات مردم در کردستان است که در بیانیه ریوار احمد بعنوان سپر بلا قرار می‌گیرد. او می‌گوید اتحادیه میهنی این اعتراضات را به این بهانه سرکوب میکند که حزب وی پشت آن اعتراضات ایستاده است. اتحادیه میهنی بابت همین يك جمله يك تشکر جدی به ریوار احمد بدهکار است، زیرا اساساً خصلت سرکوبگری اتحادیه میهنی در قبال اعتراضات و ناراضیاتی مردم را از آن جریان مرتجع و سرکوبگر تماماً سلب کرده است. او در واقع می‌گوید اگر حزب وی پشت آن اعتراضات نباشد اتحادیه میهنی آنرا سرکوب نمی‌کند، مگر نرخ سازشی که اگر اتحادیه میهنی تعیین کند خیلی بیشتر از این است؟ در اینجا فرصت پرداختن به موقعیت حزب ریوار احمد در کردستان نیست، او هم مجبور نمیشود که يك صفحه دیگر فحاشی علیه حزب کمونیست کارگری چپ عراق سیاه کند به این خاطر که اطلاعیه حزب جمله اخیر کورش مدرسی یعنی "در کردستان نمادند اند" را نقل کرده بود. فرض کنیم تمام ادعای ریوار احمد مبنی بر نقش آنان در اعتراضات مردم درست باشد، آیا این خود وی نیست که دارد می‌گوید از این پس، بخصوص اگر اتحادیه میهنی پاسخ مناسب به بیانیه شان بدهد، دیگر

از صفحه ۱ قطعنامه دانشجویان در ۲۰ آذر

اطلاعیه شماره ۱۹ کمپین علیه سرکوب کارگران ایران
کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث. ژ. ت) :

محکومیت فعالین کارگری قابل قبول نیست! با کارگران ایران اعلام همبستگی می کنیم!

اتحادیه های کارگری جهان را به موقعیت طبقه کارگر ایران جلب نمایند. در آلمان و اتریش شمار زیادی از سایت های اینترنتی متعلق به اتحادیه های کارگری این دو کشور اخیرا نامه رضا نوری عضو کمیته بین المللی همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران پیرامون موفقیت کارگران نساجی در سندرج و وسیعا منتشر کرده اند. سایت لیبرنت در آلمان و سایت اتحادیه کنفدراسیون کل اتحادیه های اتریش از این جمله است. درج اخبار و مسائل کارگری ایران و منجمله انعکاس وسیع خبر محکومیت فعالین اول مه سقز معمولا با اعلام حمایت اتحادیه های کارگری از کمپین جهانی برای محکومیت جمهوری اسلامی توأم است. حمایت گرم و همبستگی قاطعانه از سوی سازمان ها و رهبران و فعالین کارگری از این کمپین، بدون شك مبارزات مستقیم کارگران در ایران را بیش از پیش تقویت می کند و فشار سنگین تری برای لغو فوری حکم محکومیت فعالین اول مه سقز بر رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی وارد می آورد.

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ آذر ۱۳۸۴
۱۱ دسامبر ۲۰۰۵

میکند. ما به طور مشخص به مورد محکومیت محمود صالحی، جلال حسینی و رفقایشان اشاره می کنیم که به دلیل شرکتشان در راه پیمایی اول ماه ۲۰۰۴ محکوم شده اند. فعالینی که با شهادت تمام با ممنوعیت های غیرواقعی مخالفت کرده اند. به نظر ما هیچ دلیل و برهانی نمی تواند توجیه گر این همه نقض حقوق بشر و حقوق بین الملل از جمله آزادی اتحادیه ها، به رسمیت شناختن حقوق اتحادیه ای برای کارگران، سرکوب و محکومیت فعالین کارگری می و همچنین مردم فرانسه به طور منظم از وضعیت اسف انگیز کارگران ایران در زمینه ی آزادی حقوق اقتصادی و اجتماعی با خبر هستند. در خاتمه توجه شما را به همبستگی کامل خود با کارگران ایران معطوف میدارم.

با احترام
Jean-Francois Courbe
مسئول روابط بین المللی اتحادیه های فرانسه (ث. ژ. ت)

کمپین جهانی برای محکومیت جمهوری اسلامی همچنان رو به گسترش است و اتحادیه های کارگری هرچه بیشتری را در بر می گیرد. در هفته های گذشته فعالین حزب با انعکاس اخبار بی حقوقی و مبارزه کارگران ایران توانسته اند که توجه تعداد زیادی از سازمانها و

در ادامه کمپین جهانی برای جلب حمایت گسترده از کارگران ایران و اعتراض به جمهوری اسلامی بدلیل صدور حکم محکومیت فعالین اول ماه مه سقز، کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث. ژ. ت) طی نامه ای به احمدی نژاد از خواست های کارگران ایران پشتیبانی کرد و اعتراض خود علیه سرکوب و بی حقوقی کارگران ایران و پیگرد فعالین کارگری توسط جمهوری اسلامی را ابراز داشت. این نامه که رونوشت آن به سفیر جمهوری اسلامی در فرانسه نیز ارسال گردیده، و متن آن توسط "انتلاف بین المللی در حمایت از کارگران در ایران" به فارسی ترجمه شده، چنین آمده است:

"آقای رئیس جمهور تلاش کنفدراسیون عمومی کار (ث. ژ. ت) اولین اتحادیه ی کارگری در فرانسه همواره بر این بوده که به آزادی اتحادیه ها نه تنها در فرانسه، بلکه در تمامی کشورها احترام گذاشته شود. ما جهت تحقق این معیارها و معاهده نامه ها ضمن حمایت و همکاری با سازمان جهانی کار در سطح بین المللی نیز تلاش کرده ایم. متأسفانه شاهد هستیم ایران که عضو سازمان جهانی کار است، 1. مانع ایجاد هرگونه فعالین مستقل اتحادیه ای است. 2. کارگرانی را که جهت منافع خود قصد متشکل شدن دارند، سرکوب

فحشا، اعتیاد و ... از پیامدهای آن است. ما از مبارزه طبقه کارگر اعم از کارگران بیکار، کارگران شرکت واحد، نفت، ایران خودرو و کارخانجات نساجی دفاع کرده و دوشادوش آنان برای ساختن جامعه ای که اساس آن انسان و انسانیت و دفاع از معیشت شریف ترین انسانهای این جامعه است تلاش خواهیم نمود. ضمنا از مبارزات تمامی اقشار اعم از معلمان، پرستاران، پزشکان و تمامی زحمت کشان جامعه دفاع می نماییم. ۶- حمله وحشیانه به کردستان، حمله به دفتر سندیکای شرکت واحد و کارهای پلیسی از این دست محکوم است و فورا عاملان آن باید مجازات شوند.

۷- احکام دادگاه سقز علیه فعالین کارگری (برهان دیوارگر- محمود صالحی- محسن حکیمی- محمد عبیدی و جلال حسینی) محکوم است و خواستار آزادی بی قید و شرط آنان هستیم. این فعالین کارگری تنها برای خواسته های برحقشان مبارزه کرده اند و جرمی جز برگزاری اول ماه مه ندارند. جنبش دانشجویی حمایت همه جانبه خود را از ایشان اعلام می دارد.

۸- مساله هسته ای بر اثر تبلیغات رسانه ای تبدیل به یک مساله ملی در کشورها شده است. اما ماهیت و سرشت این مساله، پوشش دادن برای سلاحهای هسته ای در درجه اول و دفن زباله های هسته ای در مناطق محروم در درجه دوم است. ما با نظامی گری هسته ای و تخریب زیست محیط با زباله های هسته ای مخالفیم و خواستار جهانی عاری از فعالیت های مخرب هسته ای هستیم.

۹- انقیاد فکری نهاد دانشگاه که متشکل از شکل رابطه استاد و دانشجو، بديهيات علمي، متد تحقیق، شیوه های فردگرایانه پژوهش و تخصصی شده دانش آکادمیک و ... را نمی پذیریم و برای تحول ساختاری آن مبارزه می کنیم."

تبدیل گشته است. اکنون اعلام می داریم که این روز برای ما نه روز تقدیر نظام از سرسپردگی دانشجو که روز بزرگداشت آزادی و آزادیخواهی است و هیچگاه زیر پرچم ارتجاع و استبداد سر فرود نمی آوریم. ما جهانی عاری از استعمار طبقاتی، ظلم سیاسی و تبعیض جنسی را خواستاریم، برای آن مبارزه می کنیم و خود را هم سنگر با تمامی انسانهای زحمت کش جامعه، طبقه کارگر جهانی، و آزادگان می دانیم. و جز این مبارزه هر نسخه سازشکارانه دیگری همچون فدرالیسم، رفرمیسم، تکیه به تفاوت های نژادی، و حمله خارجی راه نجات نیست و چیزی جز بازتولید ارتجاع و استبداد را در پی ندارد. تنها یک آلترناتیو وجود دارد و آن رجوع به انسان و انسانیت است. پس در همین راستا ما انجام مطالبات خویش را بی هیچ قید و شرطی خواستاریم:

۱- کوتاه شدن دست تمامی نهاد های امنیتی و انضباطی از دانشگاه خواست فوری و بدون قید و شرط ماست.
۲- آزادی همه زندانیان دانشجوی، همه نشریات توقیف شده، وبلاگ نویسان دستگیرشده، و همه دانشجویانی که محرومیت های متفاوتی را متحمل شده اند، ایشان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند و به آنها غرامت پرداخت شود. در سال گذشته تا امروز بیش از ۳۰۰ مورد اتفاق افتاده است.
۳- آزادی بی قید و شرط تشکلهای کارگری، دانشجویی، و NGOهای مستقل، آزادی بیان و عقیده باید به رسمیت شناخته شود و هیچ کس با هیچ بهانه ای حق محدود کردن آن را ندارد.

۴- آپارتاید جنسی و تبعیض علیه زنان محکوم است و رهایی زنان از آلام و مصائب گوناگون خواست تمام جامعه است.

۵- رکن جامعه ما بر پایه سرمایه و سود آن بنا شده است و فقر، استثمار،

از صفحه ۴ ترمز به رادیکالیسم کمونیستی ...

برای رهائی مردم از این اوضاع سیاه بود. اما ما موظفیم که از کمونیسم کارگری دفاع کنیم و میکنیم، بهمین دلیل هم عکس العمل ریبوار احمد را درک میکنیم. حزب کمونیست کارگری چپ عراق تمام نیروی خود را برای دفاع از پرچم کمونیسم کارگری و برای تغییر شرایط جهنمی و سیاه حاکم بر جامعه عراق بکار میگیرد و برای آن تلاش میکند. *

لااقل در کردستان رشد اعتراضات اجتماعی مردم کارگر و زحمتکش است. این آخری زمینه رشد و قدرتمند شدن يك جریان کمونیستی کارگری است که ریبوار احمد به آن نیاز ندارد.

کاش حزب کمونیست کارگری عراق به این روز نمیافتاد، چپ میماند و به راست نمیچرخید، این نفع کمونیسم و جامعه و مبارزه

پشت اعتراضات مردم نمایاستند؟ اعتراضات مردم در کردستان يك جنبش جدید رو به رشد علیه حاکمیت ناسیونالیسم کرد است. اینهم یکی از عناصری است که باید در کنار فاکتورهای اساسی تحولات عراق باید در نظر گرفت. اگر سرهم شدن حکومت مرکزی و شریک شدن ناسیونالیسم کرد در قدرت دو فاکتور مهم است، يك فاکتور دیگر

رادیو انترناسیونال
۴۱ متر ردیف ۲۴۹۰ کیلوهرتز
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

تهاجم به دفتر حزب کمونیست کارگری چپ عراق در بغداد محکوم است فعالین ربوده شده این حزب باید فوراً آزاد شوند

خواهی را نمایندگی و هدایت میکند و این صف را هرچه فعالتر علیه نیروهای سناریوی سیاه بسیج و تقویت خواهد کرد. تهاجم تروریستها بهیچ وجه در این حرکت خللی ایجاد نخواهد کرد.

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سازمانهای سیاسی و انسان دوست میخواهد که این تهاجم و ربودن فعالین این حزب را محکوم کنند و خواهان آزادی فوری آنها شوند. بی تردید کل سناریوی ارتجاع اسلامی در عراق و همچنین پروژه ارتجاعی دولت آمریکا و هم پیمانانش برای حاکم کردن دولتی قومی و مذهبی در این کشور، با مقابله جبهه انسانیت مترقی و پیشرو به شکست خواهد رسید. حزب کمونیست کارگری چپ عراق و جنبش کمونیسم کارگری این جبهه ترقی

خصوصاً را با آزادیخواهی و برابری طلبی و ایده های پیشرو سوسیالیستی دارند. فعالیت و رشد جریان‌های مثل حزب کمونیست کارگری چپ عراق که از انسانیت و سوسیالیسم و آزادی و برابری دفاع میکند با نفس موجودیت این باندهای مرتجع قرون وسطایی در تضاد قرار دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران تهاجم باندهای اسلامی به دفتر حزب کمونیست کارگری چپ عراق را شدیداً محکوم میکند و از همه

بود ترور کردند. کشور عراق اکنون صحنه ترور و آدم ربایی و جنایات باندهای مرتجع تروریست و اسلامی است که با ایجاد فضای ترور و وحشیگری و کشتارهای بیرحمانه کودک و مرد و زن میخواهند حاکمیت قرون وسطایی خود را به مردم تحمیل کنند. بویژه کمونیستها و فعالین کارگری موضوع اصلی حمله این جنایتکاران هستند و تاکنون چندین فعال کارگری و چپ ربوده و ترور شده اند. این جریان‌ها بیشترین

بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری چپ عراق روز چهارشنبه ۷ دسامبر یک باند مسلح نقاب پوش به دفتر این حزب در بغداد یورش برده و دو نفر از فعالین این حزب بنامهای "اکرم فلاح خطاب" و "بسیم خامس" را که در دفتر بودند ربوده و با خود به نقطه نامعلومی بردند. در ماه اکتبر نیز تروریستهای اسلامی یکی از کادرهای حزب کمونیست کارگری چپ عراق بنام "میثم نجاح" را هنگامی که مشغول سخنرانی در میان جمعی از کارگران و دانشجویان

پیام آذر ماجدی به مناسبت صدمین سالگرد سکولاریسم به مراسم ۷ دسامبر در پاریس، فرانسه باید فراتر برویم: پیش بسوی مذهب زدائی از جامعه!

حقوق انسانی باید مذهب را کاملاً از کلیه عرصه های اجتماعی عقب بنشانیم.

باید با اتکا، به پیروزی هایی که در کمپ سکولاریسم بدست آورده ایم، دست مذهب را از زندگی اجتماعی کوتاه و علیه اسلام سیاسی مبارزه کنیم. دو خواست مهم، ممنوعیت مدارس مذهبی و ممنوعیت حجاب کودکان باید در پلاتفرم آتی ما جا بگیرد.

آذر ماجدی
رئیس سازمان آزادی زن

۷ دسامبر ۲۰۰۵

باید بخاطر داشت که این قانون کافی نیست. باید فراتر برویم. باید سد محکمی در مقابل نفوذ مذهب در امورات جامعه ایجاد کنیم. تاریخ بما نشان میدهد تا زمانی که مذهب را کاملاً به عقب نرانند، جامعه بشری از مخاطرات این نهاد سرکوبگر رهایی نخواهد یافت. باید فراتر برویم و جامعه را مذهب زدائی کنیم. برای ساختن یک جامعه آزاد، برای دفاع از آزادی اندیشی و دفاع از

زندگی و جامعه ما رخنه کند و بر آن حکم براند. ما باید مذهب را عقب بنشانیم. باید مذهب را به عرصه زندگی خصوصی برانیم. وجود قانون جدایی دین از دولت مبارزه برای عقب راندن مذهب را در فرانسه تسهیل کرد. قانون منع پوشش و حمل مظاهر مذهبی در نهاد ها و مدارس دولتی قدمی دیگر به پیش است. باید از این قانون دفاع کرد ولی

تحت نام خدا و مذهب، شکنجه شده و به قتل رسیده اند. و متأسفانه هنوز نیز شاهدیم که هر روز بسیاری تحت قوانین مذهبی و بدست دولت ها و یا دسته جات مذهبی شکنجه میشوند و به قتل میرسند. جدایی دولت از مذهب یک دستاورد مهم است. این مساله با مشاهده پیشروی های مذهب در جامعه امروز بر ما آشکار تر میشود. نهاد مذهب میکوشد که در کلیه زوایای

دوستان عزیز
بعنوان کسی که سالها است برای سکولاریسم، مذهب زدائی از جامعه و دفاع از حقوق زنان مبارزه کرده است، به همه شمايي که امشب جمع شده اید تا صدمین سالگرد استقرار سکولاریسم در فرانسه را گرامی بدارید، درود میفرستم. دفاع از سکولاریسم بعنوان شرط ضروری یک جامعه آزاد بسیار مهم و حیاتی است. در طول تاریخ پیش از هر امر دیگری، انسان ها

گزارشی از تجمع اعتراضی کارگران نساجی کردستان و تهاجم نیروهای رژیم به آنها

اطلاعات رژیم به کارگران اعلام شد که نمایندگان کارگران را برای مذاکره به استانداری خواهند برد و تا فردا حقوقهای شما پرداخت میگردد. سپس توسط اتوبوسهایی که از سوی شهرداری به محل آورده شده بود، کارگران را به مرکز شهر منتقل کردند. تا از ادامه حرکت آنان جلوگیری شود.

کارگران در همانجا تصمیم گرفتند که بعد از ظهر امروز مجمع عمومی خود را تشکیل دهند و در مورد اقدامات بعلى خود تصمیم بگیرند.

صفحه ۷

حضور نمایندگان کارگران و ادارات ذیربط این مسئله را مورد بررسی قرار خواهند داد. هر لحظه بر تعداد نیروهای انتظامی افزود میشود. بعد از صحبتهای بابک قطبی کارگران اعلام کردند که بخاطر گرفتن حقوق دوران اعتصاب خود که قرار بود تا ۲۰ آذر ماه به آنان پرداخت شود، به مقابل اداره کار حرکت خواهند کرد. این تصمیم کارگران با حمله نیروهای انتظامی و یگان ویژه روبرو شد و تعدادی از کارگران از جمله اسماعیل خسروی، جلیل و محمود زخمی شدند. کارگران نیز به اعتراض و مقاومت خود ادامه دادند. با گسترش اعتراضات از طرف

بهداشت سنندج را، مجبور به حضور در اجتماع خود کنند تا پاسخگوی آنان باشد. کارگران میگفتند که بیش از ۱۵ سال است نه بهداشت محیط کارخانه مورد بررسی قرار گرفته است و نه معالینات سالانه

صورت گرفته است و شما باید بعنوان رئیس بهداشت سنندج پاسخ ما را بدهید که چرا تاکنون این بازرسیها و معاینات انجام نگرفته است.

بابک قطبی که از خشم کارگران حاج و واج شده بود، مشکلات را به گردن کارفرما و مسئولین اداری انداخت و اعلام داشت که وی با

که تجمع کارگران نساجی را متفرق کنند. معاون نیروی انتظامی به میان کارگران رفت و اعلام کرد ما حکم داریم که به تجمع شما حمله کنیم و تلاش داشتند با تهدید تجمع کارگران را متفرق کنند. از سوی دیگر مردمی که تلاش می کردند خود را به این تجمع برسانند با ممانعت نیرو انتظامی روبرو میشدند. اما علیرغم این ممانعت ها کارگران شاهر توانستند حلقه محاصره نیروهای انتظامی را در هم شکسته و به کارگران نساجی پیوندند. بدین ترتیب کارگران توانستند با فشار اعتراضاتشان بابک قطبی رئیس شبکه

کارگران کارخانه نساجی کردستان در پی تصمیمی که روز گذشته در کارخانه گرفته بودند، امروز سه شنبه ۲۲ آذر ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح در مقابل دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند. کارگران خواهان معاینات پزشکی سالیانه و پرداخت حقوق دوران اعتصابشان می باشند و در همین رابطه پلاکاردهایی در دست داشتند. با اجتماع کارگران نیروهای انتظامی سرکوبگر رژیم در محل حاضر شدند. نیروهای انتظامی با تعطیل کردن دانشگاه و همچنین مسدود کردن خیابان ۶ بهمن تلاش داشتند

کمپین حزب کمونیست کارگری علیه سرکوب کارگران ایران

اطلاعیه شماره ۲۱

"اندرو فرگوسن" از رهبران اتحادیه های کارگری در استرالیا طی نامه ای از اتحادیه های صنفی این کشور خواست که جمهوری اسلامی را محکوم کنند!

"گرامیداشت اول مه و دست زدن به اعتصاب حق بی چون و چرای کارگران است"

"اندرو فرگوسن" دبیر اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگلبانی، معادن و انرژی استرالیا شاحه "نیو ساوت ویلز" واقع در جنوب سیدنی که قبلاً نیز یک نامه اعتراضی به

سفیر جمهوری اسلامی در استرالیا نوشته بود طی یک فراخوان به اتحادیه های کارگری استرالیا از آنها خواست که نسبت به اقدامات خشونت آمیز جمهوری اسلامی عیله کارگران ایران از خود واکنش نشان دهند. در این نامه "اندرو فرگوسن" به پیشینه دستگیری کارگران در اول مه سال ۲۰۰۴ و سپس آزادی آنها بدلیل فشار و اعتراض جهانی می پردازد. او می افزاید که این فعالین پس از آزادی در سال ۲۰۰۴ و تا مقطع صدور احکام محکومیت آنها در دوره اخیر بطور مرتب مورد پیگرد

قرار داشته اند. "اندرو فرگوسن" سپس در این نامه که نسخه ای از آن را نیز برای ارسلان نظری عضو کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران ارسال کرده، خطاب به اتحادیه های صنفی در کشور استرالیا چنین می نویسد:

"احکام صادر شده (علیه فعالین اول مه ۱۳۸۳ سقز) نشانه دیگری از نقض پایه ای ترین حقوق کارگران است.

رژیم ایران باید مجبور شود که از کارگران رفع اتهام کند و حقوق بین المللی کارگری را برسمیت بشناسد.

تردیدی نیست که اگر رژیم ایران در محکومیت این کارگران موفق شود، این با حملات بیشتری به کارگران ایران در آینده توأم خواهد بود.

اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگلبانی، معادن و انرژی استرالیا شاحه "نیو ساوت ولس" همه اتحادیه های صنفی را فرا می خواند که جمهوری اسلامی ایران را به دلیل نقض آشکار حقوق کارگران محکوم کنند و بخواهند که از فعالین

کارگری هر چه سریعتر رفع اتهام شود. گرامیداشت اول ماه مه، دست زدن به اعتصاب و دیگر اشکال

اعتراض کارگری حقوق بی چون و چرای کارگران است. ما همه اتحادیه های صنفی را فرا می خوانیم که از مبارزه کارگران ایران برای دستیابی به این حقوق پایه ای حمایت کنند."

حزب کمونیست کارگری ایران فعالیت برای جلب حمایت دانشی از کارگران ایران را به اشکال مختلف و در سطح بین المللی ادامه میدهد و از همه سازمانهای کارگری و انسان دوست میخواهد که برای لغو احکام دادگاههای اسلامی رژیم علیه فعالین اول مه سقز و رفع اتهام و فشارهای هرروزه بر آنها تلاش کنند.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ آذر ۱۳۸۴، ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵

از صفحه ۶ گزارشی از

لازم به ذکر است که در این کارخانه تا کنون تعداد زیادی از کارگران به دلیل عدم ایمنی محیط کار و پخش مواد شیمیایی در فضا به بیماریهای تنفسی، ریوی و شنوایی مبتلا شده اند. در این تجمع اعتراضی تعدادی از خبرنگاران محلی و سراسری نیز در محل حضور داشته و از اجتماع کارگران گزارش و عکس تهیه میکردند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به تجمع کارگران نساجی کردستان از همه کارگران و مردم آزادیخواه سنانندج می خواهد که بر علیه سرکوب و حمله به کارگران و ضرب شتم آنان اعتراض کنند و با تمام قوا به حمایت از اعتراضات و مبارزات کارگران بپردازند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ آذر ۱۳۸۴ - ۱۳ دسامبر ۲۰۰۵

سوسیالیسم

با خیز!

برای

رفع تبعیض!

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 60 639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariusz safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

کمکهای مالی رسیده به حزب

سوئد:

بابک شدیدی، الهام بهزادمنش ۵۰۰ کرون
مهدی مولایی: ۳۰۰ کرون
هوشنگ، آ. ۵۰۰ کرون
هادی موسوی: ۳۰۰ کرون

آلمان:

فرانکفورت: (کمکهای مالی جمع شده در ماه نوامبر)

شهناز مرتب ۵۰ یورو
محمود جلیلی ۵۰ یورو
مهران مهرنوش ۵۰ یورو
سعید ویسی ۵۰ یورو
سپهیل کیانی ۱۰ یورو
محمد امین کمانگر ۱۰ یورو
فرشاد پیروز ۲۰ یورو
نوید محمدی ۲۰ یورو
محمد باقرتاش ۵۰ یورو

آلمان:

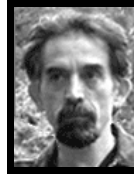
محمد کریمی ۱۰۰ یورو
واحد پادبورن ۴۰ یورو
دوستدار حزب از طریق فرزانه درخشان از برلین ۲۰ یورو
به ابتکار منیر شریف پوریان و رفقای دیگر ۹۶ یورو
کمیته برمن ۱۳۰ یورو
از طریق رفقای کاسل ۴۰ یورو

نروژ:

میزهای مالی - اطلاعاتی ۱۵۰۰ کرون
ناصر احمدی ۱۰۰۰ کرون
صابر رحیمی ۱۰۰۰ کرون

در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور



دو راهی بروبیت یا سوسیالیسم؟

اوضاع سیاسی ایران و منطقه بشدت ملتهب است و در ترسیم چشم انداز سیاسی، باید جا را برای هر رویداد و فاکتوری که میتواند کل اوضاع را به ضرر انقلاب کارگری بهم بریزد، باز گذاشت. بدنبال اظهارات فاشیستی اسلامی مکرر احمدی نژاد در مورد موجودیت اسرائیل، اظهاراتی که لاقلاً موضع فعال و جهت سیاست خارجی رژیم اسلامی در یکدهه اخیر نبوده است، روزنامه های مختلفی از تصمیم اسرائیل برای حمله نظامی به تاسیسات اتمی ایران خبر میدهند. حتی در مورد جزئیات تقویمی و نظامی و غیره صحبت شده است و با تکذیب رسمی دولت اسرائیل نیز روبرو نشده است. این جهتگیری در سیاست بخشی از هیئت حاکمه آمریکا، علیرغم انتقادات برخی از استراتژیست های مشهور مانند زیگنیو پرزینسکی، به نظر میرسد مکان مهمتری را پیدا میکنند. موقعیت وخیم و نابسامان عراق و افغانستان و ناتوانی آمریکا در ترسیم روندی سیاسی و قابل قبول، که بارقه کم رنگی از امنیت و گشایش سیاسی و اقتصادی بدست بدهد، جنبش اسلام سیاسی را در موقعیتی تعرضی برای تعیین نقطه سازشهای جدید با غرب قرار داده است. از طرف دیگر پیشنهاداتی که در جریان جدال برسر پرونده هسته ای

ایران از جانب آمریکا و دولتهای غربی مطرح شده است، کم و بیش خطوط یک استراتژی سازش و کنار آمدن با رژیم ایران را در چهارچوب تعیین شده ای بدست میدهد. برخی براین باورند که اظهارات احمدی نژاد از سر حماقت و عقاید خرافی وی است و رژیم اسلامی ناچار است نهایتاً موضع معقولتری را با توجه به موقعیت نابسامانش اتخاذ کند. این شاید عناصری از حقیقت در آن باشد اما گمراه کننده است. اظهارات احمدی نژاد بخشی از جدال دیپلماتیک و پروپاگاندا جنگی برای امتیازگیری و رسیدن به تعادلی مورد قبول است.

در قلمرو داخلی نیز، تشدید جدالهای درون حکومتی که گسترش آن در این موقعیت میتواند به یک سلسله ترورهای حکومتی و بیرون حکومتی منجر شود، در خطر بودن پدیده جمهوری اسلامی چه از جانب مردم و جنبش آزادیخواهانه و چه از جانب دولتها، و کابوس جنگ و تروریسم را نیز باید به این تصویر اضافه کرد. رژیم اسلامی برای قربانی گرفتن از مردم تا آنجا که دستش رسیده است کوتاهی نکرده است اما ناتوانی عمومی کل رژیم نیز قابل رویت است. حتی اگر جمهوری اسلامی با معضلی به نام پرونده هسته ای و تروریسم و گلاویه های کنترل شده دول غربی از وضعیت حقوق بشر در ایران روبرو

نمود، میبایست فکری به حال ثبات سیاسی و معضلات اقتصادی مردم و مسائل و تنشهای فرهنگی میکرد. چه جامعه هر روز پیشروی میکند، متعین و رادیکال و اجتماعی میشود و در مقابل این معضلات داخلی و بین المللی پاسخ روشن خود را میدهد. قطعنامه بیستم آذر دانشگاه تهران آخرین سند است.

اما سیاست در ایران به رابطه مردم و رژیم خلاصه نمیشود. روندها و معضلات، اقتصاد و سیاست، راه حلها و جنبشهای سیاسی، کمابیش تاریخی و جهانی اند. مسئله آزادی و مدرنیسم، سرمایه داری یا سوسیالیسم، مسئله فلسطین و مسئله کرد، کمونیسم و جنبش سوسیالیستی کارگران، اسلام سیاسی و جنبش اسلامی، ناسیونالیسم و عظمت طلبی، موقعیت ژئوپولیتیک ایران و خاورمیانه در دنیای امروز، استراتژی آمریکا و دولتهای غربی برای بازتعریف جغرافیای سیاسی خاورمیانه در دنیای بعد از جنگ سرد، آکتورهای دخیل سیاسی در ترسیم آینده ایران و منطقه هستند. آینده جمهوری اسلامی همانند آینده اکثریت عظیم مردم در یک دو راهی است: اگر جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی به سازشی نسبتاً پایدار با آمریکا و غرب برسد و تصویری مبهم از گشایش اقتصادی و ثبات سیاسی بدست دهد و یا لاقلاً مردم را به سیاست صبر قانع کند، و در همین متن جنبش آزادیخواهانه را حاشیه ای و منکوب کند، و یا اینکه سرنوشت رژیم اسلامی با حمله نظامی اسرائیل و همراهی آمریکا و یا اعلام دستیابی به بمب

اتمی و متعاقب آن جنگ در منطقه روبرو شود، در هر حال سرنوشت و آینده جنبش آزادی و برابری دچار ابهام و دهها سال به عقب رانده خواهد شد. در این اوضاع نیروهای عروج خواهند کرد که بخشی یا ترکیبی از آنها میتوانند مردم را به قعر تاریخ برگردانند. بربریتی تمام عیار که عراق و افغانستان در بهترین حالت پیش پرده آنست. اما آینده سوسیالیستی امروز دیگر نه فقط یک انتخاب سیاسی معقول و راه حلی مطلوب در میان راه حلها، بلکه به تنها راه برون رفت از بحران و نجات مردم ایران تبدیل شده است. نه فقط مسئله آزادی و رهائی مردم و رد شدن از میراث قرون وسطائی مذهب و طوق اسارت ناسیونالیسم و قومپرستی، بلکه نفس دفاع از جامعه و بقا و مقابله با ماجراجویی های سیاسی و نظامی رژیم و دولتها و جریانات آوانتوریزست و تروریست، و همینطور پایان دادن به تخاصمات تاریخی در ایران و منطقه به پیروزی سوسیالیسم و استقرار فوری سوسیالیسم در ایران گره خورده است. سوسیالیسم و کمونیسم در ایران باید سیاست "جنگ پیشگیرانه" خود را در مقابل بربریت سرمایه و ناسیونالیسم و مذهب و بمب اتم بگذارد و آن زدن شیپور انقلاب علیه اوضاع موجود و دست بکار شدن حزب کمونیست کارگری برای آزادی جامعه است.

شعارهای پان اسلامیستی؟

احمدی نژاد خوب شعار میدهد اما کسی جدی اش نمیکیرد. در شرایطی که افکار عمومی جهان به جریانات جنبش اسلام سیاسی به عنوان تروریست و یا هواداری از

ترویستها نگاه میکند، او و جناحی در رژیم در اوهاج کج و معوج خود به فکر رهبری "جهان اسلام" افتاده اند! جمهوری اسلامی حتی اگر به بمب اتمی مجهز شود و دنیا آنها را در "باشگاه اتمی" ناچارا بپذیرد، رهبر "جهان اسلام" نخواهد شد. اگر از مالیخولیای اسلامی احمدی نژاد بگذریم باید گفت پرچم پان اسلامیسیم خیلی وقت است که افتاده است. این پرچم با مرگ خمینی و رویای "آزادی قدس و کربلا" دفن شد. تنه این پدیده در هیئت رژیم اسلامی، که هنوز همه سرانش نمیتوانند با خیال راحت در دنیا سفر کنند، دیگر مسخره است. اگر این ادعاهای رژیم پوچ و بی پایه است پس چرا در متن این بحران مرتباً تکرار میشود؟ به نظر من رژیم اسلامی مجموعاً به این واقعیت رسیده است که باید برای بقا با غرب سازش کند. اما این سازش باید در متن یک جدال سیاسی و از مجاری و سوالات مشخص به فرجام برسد. سازش غرب با رژیم اگرچه به ضرر مردم و جنبش آزادی و برابری اما به نفع طرفین درگیر در سطح دولتهاست. دعاوی رژیم در پرونده هسته ای و دنباله روی از خط مشی کره شمالی یعنی مذاکره در یک موقعیت برتر، تبلیغات علیه موجودیت دولت اسرائیل، و شعارهای پان اسلامیستی و ادعای رهبری "کشورهای اسلامی"، بخشهای مختلف یک سیاست واحد رژیم اسلامی برای رسیدن به این توازن و توافق با غرب است. اما همه چیز باب طبع رژیم پیش نخواهد رفت. جمهوری اسلامی در منگنه هر کدام از این بحرانها میتواند متلاشی و سرنگون شود.

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

کارگر کمونیست ۲۳

منتشر شد

www.wpiran.org/kk-index.htm

دفتر مرکزی
Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email:
markazi@ukonline.co.uk

قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب: چهارشنبه ۵ بعد از ظهر بوقت تورنتو

حجم مطلب: ۱ صفحه و نیم ۴۲، فونت ۱۴، فاصله نرمال (word)

مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.